

تاریخ و تمدن/اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، پائیز و زمستان ۸۵، ص ۱۲۱-۱۳۲

تأثیر حاکمیت صفویه بر کتاب‌های سیره و مناقب دوازده امام^۱

غلامحسن حسین‌زاده شانه‌چی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان

shanechi@yahoo.com

چکیده

از قرن دوم هجری کتاب‌هایی درباره سیره و مناقب دوازده امام نوشته شده که از لحاظ کمیت و کیفیت تحت تأثیر وضع سیاسی و فرهنگی عصر خویش بوده‌اند. ظهور صفویه و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و شرایط سیاسی و فرهنگی حاصل از آن بر تالیفات مذکور تأثیراتی نهاد که این تأثیرات را در وهله نخست در افزایش نسبی این تالیفات می‌توان دید. عالمان و نویسندگان شیعه با توجه به آزادی بیشتر در بیان عقاید خویش در این دوره کتاب‌های متعددی در سیره و مناقب امامان نوشتند. شاهان صفوی نیز که به دلایل سیاسی و مذهبی بر گسترش تشیع تأکید داشتند از این تالیفات به طور مستقیم، حتی با صدور فرامینی مبنی بر این امر و یا به طور غیر مستقیم حمایت می‌کردند. آنان همچنین در جهت تعمیق اندیشه‌های شیعی در بین عموم مردم به تدوین کتب فارسی و یا ترجمه متون عربی در این موضوع پرداختند، چنان که برخی از این آثار به فرمان و نام بعضی از شاهان صفوی پدید آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخنگاری شیعی، صفویه، سیره و مناقب دوازده امام.

مقدمه

کتب سیره و مناقب دوازده امام، از همان قرن دوم هجری همزمان با تالیف سیره رسول خدا به رشته تحریر درمی‌آمد و تا آغاز قرن دهم هجری کتاب‌های بسیاری در این موضوع نگارش یافت. در قرن‌های دوم و سوم این کتاب‌ها به طور عمده، توسط برخی از شاگردان ائمه (ع) و

۱. این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان «بررسی و نقد منابع شیعی (اثنی عشری) سیره ائمه از اربلی تا مجلسی» و به راهنمایی دکتر هادی عالم‌زاده و دکتر محمدعلی کاظم بیگی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تدوین و دفاع شده است.

۲. تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۱۰/۷، تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۱۱/۲۷.

اغلب به شکل تک‌نگاری تالیف می‌شد. از جابر بن یزید جعفی (د. ۱۲۸ ق)، معاصر امام صادق (ع) کتاب‌های چندی در تاریخ امام علی و امام حسین (ع) یاد شده است.^۱ در همین زمینه می‌توان از کتاب *مولد امیرالمومنین* نوشته حفص بن بختری از راویان امام صادق و امام کاظم (ع) نیز نام برد.^۲ در قرن سوم هجری نیز چند نویسنده پرکار در این زمینه ظهور کردند که از معروف‌ترین آنها باید به ابن هلال ثقفی (د. ۲۸۳ ق)، اخباری و وقایع‌نویس معروف شیعی، اشاره نمود که آثاری چند درباره وقایع زندگانی امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) به رشته تحریر درآورد.^۳ شماری از آثار مورد بحث در قرن‌های دوم و سوم هجری را کتاب‌های مقتل تشکیل می‌دهد، مانند *مقتل امیرالمومنین و مقتل الحسین* از ابن هلال ثقفی و کتاب *مقتل الحسین* از ابراهیم بن اسحق نهاوندی (د. قرن سوم ق).^۴

از اوایل قرن چهارم کتاب‌های مجموعه‌ای پدید آمدند که درباره همه ائمه و جوانب مختلف حیات آنان نوشته می‌شدند. از این آثار می‌توان کتاب‌های *تاریخ الائمة* تالیف محمد بن احمد بن ابی تلج کاتب بغدادی (د. ۳۲۵ ق)، *الارشاد* شیخ مفید (د. ۴۱۱ ق) *تاج الموالید* و نیز *اعلام الوری باعلام الهدی* اثر فضل بن حسن طبرسی (د. ۵۴۸ ق) و *تاریخ الموالید الائمة و وفیاتهم* تالیف عبدالله بن احمد بن خَشَّاب بغدادی (د. ۵۶۷ ق) را نام برد.^۵

در کنار کتب سیره کتاب‌هایی نیز در باب مناقب ائمه نوشته می‌شد که از این زمره است، *المناقب* نصر بن مزاحم منقری (د. ۲۱۲ ق)،^۶ *خصائص الائمة* نوشته شریف رضی (د. ۴۰۵ ق)، *عیون المعجزات* از حسین بن عبدالوهاب (د. ۴۳۶ ق)،^۷ *الخراج و الجرائع* اثر قطب الدین راوندی (د. ۵۷۳ ق) و نیز *مناقب آل ابی طالب* از محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (د. ۵۸۸ ق).

افزایش تالیفات در عصر صفوی

به نظر می‌رسد روند نگارش کتب مناقب و سیره ائمه از قرن هفتم تا قرن دهم در مقایسه با

۱. نک: مدرسی طباطبایی، ۱۴۰-۱۴۱.

۲. طوسی، ۳۵؛ نجاشی، ۲۸؛ مدرسی، ۲۸۳.

۳. نجاشی، *الرجال*، ۱۶ و طوسی، فهرست، ۱۳.

۴. نک: طوسی، ۱۳، ۱۶، ۸۹، ۱۲۲، ۳۲۵، ۳۲۰؛ نجاشی، ۳۲۰؛ مدرسی، ۲۸۲، ۹۲.

۵. نک: بغدادی، ابن ابی الثلج، *تاریخ الائمة*، قم، ۱۴۰۶؛ طبرسی، *تاج الموالید*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۶.

۶. طوسی، ۲۵۴.

۷. آقا بزرگ تهرانی، ۳۸۳/۱۵.

قرون پیش‌تر افزایشی نداشته است^۱، این در حالی است که شیعیان در این دو سده، توسعه سیاسی و فرهنگی چشمگیری یافتند^۲؛ اما از قرن دهم هجری افزایش چشمگیری در شمار این نوع تالیفات دیده می‌شود و این افزایش در دو قرن بعدی نیز ادامه می‌یابد. در هر یک از قرون دهم و یازدهم ۱۲ کتاب و تا دهه سوم قرن دوازده ۹ کتاب در سیره و مناقب دوازده امام نوشته شد. بی‌شک می‌توان عامل اساسی در این رویکرد را، وضع جدید سیاسی و فرهنگی ناشی از روی کار آمدن صفویان (۹۰۷-۱۳۵۵ ق) شیعه مذهب شمرد.

نقش و تأثیر دولتمردان شیعه در تالیف سیره و مناقب ائمه تا قرن هفتم قابل توجه نیست و کمتر کتابی از عالمان شیعه را می‌توان نام برد که به دستور یا برای فرمانروا یا امیری نوشته شده باشد. این نکته می‌تواند معلول دو عامل باشد: نخست استقلال رای و اندیشه عالمان و نویسندگان شیعی که کمتر تحت نفوذ دولتمردان و رجال سیاسی قرار داشتند؛ و دیگر آن که تا این زمان دولت‌های قدرتمندی از میان شیعیان دوازده امامی برنیامده بودند تا زمینه چنین امری فراهم گردد. از قرن هفتم هجری به بعد همزمان با گسترش نفوذ سیاسی امامیان، شاهد ظهور تالیفاتی به فرمان بعضی امرای شیعه مذهب و یا به نام ایشان هستیم^۳.

اما نمونه‌های بیشتر این گونه تالیفات را در دوره صفویه می‌توان یافت. صفویان با هر انگیزه و دلیلی از فعالیت‌های تبلیغی شیعی حمایت می‌کردند که از جمله آنها، تالیف و تدوین کتبی بود که عقاید و آموزه‌های شیعی را ترویج می‌کرد^۴ و تالیفات مناقب و سیره ائمه از این قبیل

۱. با بررسی کتب رجال و فهرس و کتابشناسی‌ها تعداد این تالیفات در قرون سوم تا دهم به شرح زیر است: قرن سوم ۸ کتاب، قرن چهارم ۹ کتاب، قرن پنجم ۵ کتاب، قرن ششم ۱۳ کتاب، قرن هفتم ۸ کتاب، قرن هشتم ۷ کتاب، قرن نهم ۵ کتاب.

۲. نفوذ عالمان شیعه - مانند خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی - در دربار ایلخانان مغول و گرایش برخی از این ایلخانان به تشیع، ظهور و به قدرت رسیدن برخی دولتمردان شیعی یا متمایل به تشیع، حاکمیت شیعیان در بعضی نواحی - مانند سربداران خراسان و مرعشیان مازندران - ظهور شمار زیادی از دانشمندان و تالیفات فراوان ایشان، ابعادی از این توسعه می‌باشند.

۳. نمونه‌هایی از این تالیفات در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری و با حمایت‌های خاندان جوینی پدید آمد، مثلاً عمادالدین طبری، از مولفان پرکار این دوران، برخی آثارش در موضوعات مختلف دینی از جمله مناقب *الطاهرین* را به فرمان خواجه بهاء الدین جوینی، حاکم اصفهان، نوشت به همین گونه حسن بن علی سبزواری، نویسنده و مترجم پرکار این عصر، کتاب *کشف الغممه* اربلی را به دستور امیر سربداری، خواجه شمس الدین یحیی کرابی، به فارسی ترجمه و دو کتاب دیگر خود در موضوع مناقب را به وی اهدا کرد.

۴. از جمله اولین کتاب‌هایی که به خواست شاهان صفوی نوشته شد، کتاب *عقد الحسینی* به قلم حسین بن -

بود. حتی شماری از این تالیفات به درخواست و فرمان برخی شاهان این خاندان پدید آمد. در این باره، به خصوص باید از شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) یاد کرد که نقش قابل توجهی در تألیف بسیاری از آثار شیعی در این دوره داشت، از جمله دو کتاب در موضوع سیره به فرمان وی و به قلم علی بن حسن زواره‌ای، نویسنده و مترجم پرکار این عصر، تالیف و ترجمه گردید.^۱ در زمان دیگر شاهان صفوی چنین فرامینی در خصوص کتب سیره کمتر دیده می‌شود و تنها می‌توان به فرمان شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۰۵۵ق) مُشعر به ترجمه کتاب /رشاد شیخ مفید اشاره کرد.^۲ نکته درخور عنایت درباره این قبیل تالیفات این که همه آنها درباب سیره ائمه است و گویا شاهان صفوی به مناقب نویسی توجه چندانی نشان نمی‌دادند.

جز کتاب‌هایی که به دستور شاهان و دولتمردان نوشته می‌شد، تالیفاتی نیز به نام ایشان صورت می‌گرفت و از سوی نویسندگانشان به آنان تقدیم می‌گردید.^۳ سابقه این گونه تالیفات که با عنوان تقدیم نامه نویسی از آنها یاد می‌کنیم به قرن هشتم هجری باز می‌گردد که دست کم در این قرن دو کتاب در موضوع سیره ائمه به نام امیر سربداری فوق‌الذکر پدید آمد.^۴ در عصر صفویان، تقدیم نامه نویسی در میان عالمان شیعه شیوع بیشتری یافت که تا حدودی ناشی از حضور علما در مناصب اداری، قضایی و دینی جامعه و مناسبات نزدیکشان با سلاطین بود و به تدریج به صورت یک سنت درآمد و تقریباً کمتر کتابی را در این دوره می‌توان یافت که به سلطان، امیر یا وزیری تقدیم نشده باشد.^۵ به همین ترتیب، شماری از کتب سیره و مناقب نیز

— عبدالصمد جباعی (د. ۹۸۴ق)، پدر شیخ بهایی، در فقه (تحقیق جواد مدرسی، یزد، گلبهار، بی‌تا) و به دستور شاه طهماسب اول و کتاب جامع عباسی از شیخ بهاء الدین عاملی (تهران، فراهانی، بی‌تا) در فقه و به دستور شاه عباس اول می‌باشد.

۱. آقابزرگ تهرانی، ۳۶۸/۲۲؛ زواره ای، ترجمه /المناقب، ورق ۲.

۲. محمد مسیح، ورق ۶.

۳. این کار می‌توانست به انگیزه‌های مختلفی انجام شود. گذشته از مقاصد مادی، پیشکش کردن کتابی به بزرگان، موجبات ماندگاری و شهرت آن را نیز فراهم می‌ساخت، چرا که کتابخانه‌های ایشان همواره جایگاه نگهداری تالیفات ارزشمند بود؛ چه بسا از این طریق زمینه انتشار این تالیفات در نواحی مختلف نیز هموار می‌شد به خصوص اگر موضوع این تالیفات مباحثی بود که رجال سیاسی و فرهنگی در پی گسترش آن بودند؛ دقیقاً مثل تالیف آثار شیعی در عهد صفوی که بسیار مورد توجه و استقبال دولتمردان بود.

۴. نک: پانوش ۳، صفحه قبل.

۵. این رویه، در اواخر عهد صفوی به اوج خود رسید، چندان که در دوره شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) بیش از ۱۳۰ کتاب به نام وی نوشته شد (نک: جعفریان، ۱۳۳/۳).

به نام برخی شاهان صفوی مثل طهماسب اول، عباس اول و سلطان حسین تالیف شد. همچنین کتاب‌هایی برای برخی از امیران و وزیران تدوین می‌گردید، مانند ترجمه کشف‌الغمه نعمه الله بن قریش رضوی مشهدی (د. قرن دهم هجری) برای امیر محمدخان و حلیه‌الابرار سید هاشم بحرانی (د. ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق) برای ایمانی بیک وزیر^۱.

بررسی محتوایی تالیفات این دوره نشان می‌دهد نقش مستقیم یا غیر مستقیم دولتمردان در تألیف این آثار بر محتوای آنها تأثیر گذار نبوده و این کتابها از لحاظ محتوا با دیگر کتب تفاوتی ندارد. یکی از علل این امر را باید در شیوه تدوین آنها دانست که زمینه چنین تأثیراتی را فراهم نمی‌ساخت. از آن جایی که نویسندگان به سبب استفاده از روش روایی در تدوین کتاب‌هایشان مجبور به پایبندی در نقل دقیق احادیث و روایات بودند، امکان دخل و تصرف در محتوای آنها وجود نداشت.

حاکمیت صفویان به طور غیرمستقیم نیز بر افزایش تالیفات تأثیر گذاشت و آن به سبب فراهم شدن زمینه مساعدتر برای فعالیت نویسندگان شیعه بود. طبیعتاً عالمان شیعه تحت حاکمیت یک دولت شیعه مذهب، بهتر و بیشتر می‌توانستند عقاید و اندیشه‌های تشیع را تبلیغ و ترویج نمایند. این امر، موجب خرسندی این نویسندگان بود و این خرسندی را می‌توان در تجلیل و تمجیدهای مؤلفان مذکور در مقدمه کتاب‌هایشان از شاهان صفوی و عملکرد ایشان در ترویج و تعالی مذهب تشیع مشاهده کرد. به عنوان مثال می‌توان به مقدمه دو ترجمه‌ای که از کشف‌الغمه در این عصر به قلم نعمه الله مشهدی و حسن بن علی زواره‌ای (د. ۹۸۸ق) صورت گرفته اشاره کرد که در آن‌ها به ذکر خدمات شاه اسماعیل و شاه طهماسب در ترویج مذهب تشیع پرداخته‌اند^۲. محمد بن اسحق حموی (د. قرن دهم هجری) نیز در جایی از کتابش -انیس المومنین- در این باب می‌گوید: "بدان چون مدت‌ها بلاد اسلام در تحت تصرف مخالفان تیره انجام بوده بدع بسیار واقع و ناشایست بشمار شایع شده بود چون شاه فلک جاه‌علیین بارگاه جنت آرامگاه الذی انزل السماء بعدد الائمة و التنزیل ابوالقاء سلطان شاه اسماعیل اناالله برهانه پای معاودت بر سریر معدلت نهاد ابواب شفقت و رافت بر روی عالمیان گشاد و در تنفیذ احکام شریعت و اعلائی اعلام ملت و ترویج مذهب حق امامیه و استمالت قلوب طایفه ناجیه سعی موفور و جهد مشکور مبذول داشت و به تغلیق ابواب ناشایست همت گمارد ... اما ... داعی حق

۱. مشهدی، ورق ۳؛ بحرانی، ۲/۱.

۲. نک: زواره‌ای، ترجمه المناقب، ورق ۱.

را لبیک اجابت گفته و به ریاض قدس خرامید و تخت سلطنت به اعلی حضرت شاه شیعه پرور و ناصب رایات ائمه اثنی عشر ... ابوالمظفر سلطان شاه طهماسب بهادرخان گذاشت و آن جناب ... به قلع و قمع جمیع ملاهی و مناهی پرداخت و آثار شنیعه بدعت و رسوم خلاف شریعت بر انداخت".^۱

بدین ترتیب در عصر صفویه تالیفات متعددی شامل ۱۹ کتاب سیره و ۱۴ کتاب مناقب دوازده امام به رشته تحریر درآمدند.^۲

فارسی نویسی

تحول محسوس و درخور توجه در تالیفات این دوره نگارش کتب مناقب و سیره ائمه به زبان فارسی است که با ترجمه متون عربی یا تألیف آنها به فارسی صورت می گرفت. البته رویکرد به فارسی نویسی اختصاص به تألیف یا ترجمه این کتب نداشت، بلکه خود متأثر از حرکتی تبلیغی-دینی بود که تقریباً همزمان با آغاز این دوره شروع شده بود.

سابقه تالیفات مذهبی به زبان فارسی، به قرن های چهارم و پنجم هجری می رسد که برخی از متون دینی از جمله تفاسیر و کتب اخلاقی به فارسی تدوین می شد^۳؛ اما در بین شیعیان تالیفات فارسی از قرن ششم هجری به بعد و با گسترش تشیع در نواحی فارسی زبان رو به افزایش نهاد^۴، چنان که در قرن هشتم و نهم هجری دست کم شش تالیف فارسی در زمینه سیره و مناقب ائمه سراغ داریم.^۵

رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران از طرف شاهان صفوی، نقش مهمی در فارسی سازی این متون داشت؛ زیرا ترویج مذهب تشیع - که صفویان به دلایل مختلف خواهان آن بودند- در

۱. نک: حموی، ۱۴۱.

۲. نک: رفاعی، معجم ما کتب عن الرسول و اهل بیه، جلد ۱۰ و ۱۱.

۳. از جمله برخی کتب خواجه عبدالله انصاری و امام محمد غزالی (د. ۵۰۵ ق).

۴. در این زمینه می توان به کتاب های ابوالفتح حسین بن علی رازی (د. قرن ششم هجری) از جمله تفسیر *روح الجنان و روح الجنان* و کتاب *روح الاحباب و روح الالباب* (نک: آقابزرگ تهرانی، ۱۱/۲۶۱) و کتاب *النقص* عبدالجلیل رازی (د. قرن ششم هجری) اشاره کرد. در قرن هفتم نیز باید از تالیفات خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ ق) *اساس الاقتباس*، رساله *اثبات واجب الوجود*، و *اخلاق ناصری*، نام برد.

۵. این کتب اینها است: *احسن الکبار ورامینی*، *راحة الارواح* حسن بن حسین سبزواری؛ *تحفه الابرار*، *اربعون حدیثا* و *مناقب الظاهرین* عمادالدین طبری، *تاریخ الائمه و تاریخ الائمه و خلفاء عصرهم* از نویسندگانی ناشناس.

بین مردم ایران که عمدتاً فارسی زبان بودند، از این طریق میسر می‌شد؛ لذا شماری از عالمان شیعی در ایران و شبه قاره هند^۱ به نگارش کتاب‌های مذهبی و عقیدتی برای فارسی زبانان دست زدند^۲ و تالیفات سیره و مناقب ائمه نیز مشمول این حرکت گردید. تا دهه‌های نخست قرن دوازدهم هجری، یازده کتاب در باب سیره و مناقب ائمه به زبان فارسی نوشته شد که نقش شاهان صفوی در آن‌ها بارز است. به نظر می‌رسد که دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) دوره فعالی برای این حرکت بوده است؛ زیرا سه کتاب از کتب مذکور یعنی /*المؤمنین* محمد بن اسحق حموی (تالیف ۹۳۸ق)، /*انوار السرائر* ولی بن نعمه‌الله حسینی حائری (تالیف ۹۸۱ق) و /*تاج المناقب* حسین بن عبدالحق اردبیلی (د. ۹۴۰ یا ۹۵۰ق)، که نویسندگانشان از مولفان پرکار عصر خود هستند، در این زمان به رشته تحریر درآمده، اگر چه در هیچ یک از این سه کتاب تصریح نشده که به فرمان شاه طهماسب نوشته شده باشند^۳، ولی عملکرد او در ترغیب عالمان شیعه به تالیف و ترجمه کتب مذهبی به خصوص در موضوع مورد بحث را نمی‌توان در این کار بی‌تأثیر دانست. بقیه این آثار به جز کتاب /*فوحات القدس* استرآبادی که به نام شاه عباس اول در سال ۱۰۱۷ق نوشته شده، در نیمه دوم قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم نگارش یافته است.

ویژگی این تالیفات، نثر فارسی روان و ساده آنهاست که از تکلفات و دشواری‌های معمول در برخی تالیفات فارسی این دوران به دور است و دلیل آن را می‌توان در گستره وسیع مخاطبان این آثار جست که به طور معمول از مردم عادی بودند^۴.

۱. زبان فارسی از قرن‌های چهارم و پنجم هجری در شبه قاره هند رواج یافت که ابتدا در امور دیوانی و اداری کاربرد داشت و به تدریج از قرن‌های هشتم و نهم هجری به بعد به صورت زبان علمی و ادبی هندوستان درآمد به طوری که اغلب عالمان و ادیبان این سرزمین، کتاب‌هایشان را به فارسی می‌نوشتند.

۲. از شخصیت‌های قابل توجه در این زمینه، تاج الدین اردبیلی (د. ۹۵۰ق) مؤلف کتاب /*تاج المناقب* است. وی سهم بسزایی در فارسی سازی ادبیات دینی این دوره داشت، چنان که اغلب آثار وی که عبدالله افندی نام برده، به فارسی نوشته شده است. (نک: عبد الله افندی، ۹۸/۲-۱۰۳)، همچنین فیض کاشانی از عالمان بنام این عصر، کتب متعددی به فارسی دارد و از نویسندگان پرکاری چون محمدباقر مجلسی، چهل و نه اثر فارسی نام برده شده است (نک: خوانساری، ۱۱۸/۱).

۳. فقط در مورد /*تاج المناقب* اردبیلی گفته شده که به نام شاه طهماسب تالیف گردیده است (نک: عبدالله افندی، ۱۰۳/۲).

۴. این نکته را می‌توان در اظهارات مترجمان این دوره که کتاب‌هایی در همین باب را به فارسی برگردانده‌اند، مشاهده کرد.

ترجمه به فارسی

در کنار تالیفات فارسی، ترجمه‌هایی از متون سیره و مناقب ائمه نیز صورت می‌گرفت. نمونه‌هایی از این ترجمه‌ها در قرن‌های هشتم و نهم پدید آمد، مانند ترجمه‌های حسن بن حسین سبزواری شیعی (د. قرن هشتم هجری) از کشف الغمّه اربلی و مباحث المہج قطب الدین کیدری^۱.

در دوره صفویان ترجمه‌های بسیاری از متون دینی رایج در محافل شیعه پدید آمد^۲. نگاهی به کتب فهرست نشان می‌دهد که در سده‌های دهم و یازدهم بیش از پنجاه اثر از نویسندگان متقدم و متأخر شیعی در موضوعات مختلف (کلام، تفسیر، سیره، فقه و ادعیه) به فارسی ترجمه شده است^۳.

شاهان صفوی، سیاست ویژه‌ای در این زمینه داشتند و به طور رسمی از عالمان می‌خواستند که به ترجمه آثار عربی شیعه بپردازند. نمونه‌هایی از این توصیه‌های شاهان صفوی در دست است. در دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) که دوران تثبیت دولت صفویه است، این حرکت، چنان که از مقدمه‌های مترجمان این کتب بر می‌آید، دقیقاً با هدف ترویج تشیع در میان سنیان ایران دنبال گردید. به عنوان نمونه در مقدمه نعمه الله مشهدی بر ترجمه کشف الغمّه چنین آمده: "چون بنا بر حدیث زینوا مجالسکم بذکر علی بن ابی طالب،

۱. نک: سبزواری، ورق ۱؛ عبد الله افندی، ۱۷۶/۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۶۳/۲. این کتاب‌ها، در زمان حاکمیت سرداران در خراسان و به فرمان خواجه شمس الدین کرآبی امیر سرمداری ترجمه شده است. ظاهراً امارت سرداران در سبزواری، در نهضت فارسی سازی متون سیره بدون نقش نبوده است.

۲. به گفته مترجم تاریخ الحکمای قفطی (ص، ۱-۲) که در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می‌زیسته، «... در این اوقات ... عرایس اکثر علوم متداوله عقلیه و نقلیه، به مساعی جمیله علماء اعلام... از لباس الفاظ عربی در کسوت لغت فارسی بر بالغ نظران عرصه دیده وری جلوه‌گری آغازیده...».

۳. از این کتب به عنوان نمونه می‌توان مفتاح النجاة ترجمه عدة الداعی ابن فهد حلی، طراوة اللطائف ترجمه الطرائف ابن طاووس، وسیلة النجاة ترجمه الاعتقادات شیخ صدوق و ترجمه باب حادی عشر علامه حلی را نام برد که اغلب به قلم علی بن حسن زواره‌ای و در زمان شاه طهماسب انجام گرفته است. قابل توجه این که در همین عصر کتاب‌هایی از اهل سنت نیز که مورد قبول شیعیان بود، به فارسی ترجمه می‌شد، مثلاً علی بن حسن زواره‌ای، کتاب مطالب السؤل ابن طلحه شافعی را به فارسی ترجمه کرد و آن را عمدة الطالب فی ترجمه المناقب نامید (آقا بزرگ تهرانی، ۱۵ / ۳۴۰؛ رفاعی، ۱۰ / ۱۴).

در اکثر اوقات مجلس آن منصب عالی (مقصود، محمدخان از امرای دوره صفوی است)^۱ به ذکر مناقب آن شاه اولیاء، مزین و مُحلی بود و همواره خاطر عاطر آن جامع مفاخر، متوجه بر این بود که تولی و تبری، در میان مردم آشکار شود و معلوم و مقرر بود که بیشتر مردمان این زمان، از اکثر احوال ائمه طیبین غافلند و معرفت ثواقب مناقب ایشان به تفصیل حاصل ندارند، فرمود که کتاب کشف الغمّة فی معرفة الاثمة که جامع‌ترین کتب است در این باب، اگر کسی به پارسی کند نفع آن عام شود و موالیان، همه در معرفت امامان کامل و تمام شوند^۲.

در دومین ترجمه کشف الغمّة نیز، که در عهد شاه طهماسب صفوی و به دستور وی صورت گرفته، مترجم در مقدمه جلد اول، پس از ذکر خدمات شاه اسماعیل و شاه طهماسب در ترویج تشیع درباره برخورد علمی با سنیان و نحوه آن اظهار می‌دارد که بهترین روش در مجادله استفاده از کلمات مشهوره و مقدمات مسلمه است و چون کتاب کشف الغمّة که جامع این امور است: "... به لغت عربی مسطور بود و فارسی زبانان را از آن، حظّ شامل و بهره کامل نبود پس بنابراین خدام امیر کبیر واجب التوقیر، عنان همت به صوب این مقصود معطوف داشته، رقم تفریس مجلد اول از کتاب مذکور به اسم این فقیر حقیر زدند"^۳. این سخنان به وضوح، سیاست فرهنگی عصر شاه طهماسب را نشان می‌دهد و دو ترجمه تقریباً همزمان از کشف الغمّة و نیز دو ترجمه از احتجاج طبرسی در همین زمان می‌تواند^۴ شاهدی بر فعالیت فراوان این حرکت در عصر مذکور باشد. این حرکت تا اواخر عهد صفوی البته با شدت کمتری ادامه یافت و کتاب‌های دیگری مانند/رشاد شیخ مفید نیز ترجمه شد^۵.

به نظر می‌رسد که نهضت فارسی‌سازی متون سیره و مناقب بر نواحی خارج از قلمرو صفویان هم تأثیرگذار بود، به طوری که همزمان با حکومت طهماسب اول، در هندوستان نیز کار ترجمه این آثار به فارسی دنبال می‌شد و نمونه آن ترجمه کتاب الخرائج و الجرائع^۶ راوندی

۱. جعفریان، ۳/ ۱۱۰۵.

۲. مشهدی، ورق ۲.

۳. زواره‌ای، ورق ۱.

۴. این ترجمه‌ها به قلم علی بن حسن زواره‌ای، نعمة الله رضوی و نظام الدین احمد غفاری انجام شده است.

۵. نک: محمد مسیح، ترجمه الارشاد.

۶. الخرائج و الجرائع (قم، موسسه المهدی، بی تا) نوشته قطب الدین راوندی (د. ۵۷۳ ق)، از کتاب‌هایی است که در باب معجزات و مناقب ائمه نوشته شده و منبع بسیاری از تالیفات بعد از خود بوده است.

با نام *کفایة المومنین*^۱ است به قلم محمدشرف نامی از مقربان شاه طهماسب برای سلطان ابراهیم قطب شاه (د. ۹۹۸ق).

مترجمان به طور عمده از عالمان و یا نویسندگان طراز اول بودند؛ به طور مثال علی بن حسن زواره‌ای مترجم مشهور قرن دهم، نزد عالمان زمان خود مثل محقق کرکی تحصیل کرده بود^۲ و یا نظام الدین احمد غفاری هم از نویسندگان پراوازه این عصر بود و هر دو صاحب تالیفات متعددی بودند^۳. توجه به فهرست نام کتب ترجمه شده در این دوره، نشان می‌دهد که مترجمان در ترجمه‌های خود اغلب کتاب‌هایی را انتخاب می‌کردند که از ارزش و اعتبار قابل قبولی برخوردار بودند. از این قبیل می‌توان به کتاب *کشف النعمه* علی بن عیسی اربلی، به عنوان اولین کتاب ترجمه شده در موضوع خوداشاره کرد که به دلیل اقبال آن در استفاده از مآخذ معتبر و نگرش نسبتاً عالمانه حاکم بر آن، کتابی ارزشمند به شمار می‌رود. اظهارات مترجمان این کتاب گویای همین نکته است. *نعمه‌الله بن قریش رضوی حسینی* مشهدی در مقدمه ترجمه‌اش، پس از اشاره به اقدامات شاهان صفوی در گسترش تشیع در باب علت انتخاب آن برای ترجمه اظهار می‌دارد که جامع‌ترین کتاب در "ذکر مناقب" و "احوال ائمه طیبین" است.^۴ در دومین ترجمه *کشف النعمه* نیز، که در عهد شاه طهماسب صفوی و به دستور وی صورت گرفته مترجم ناشناس، در مقدمه جلد اول، با اشاره به علت ترجمه کتاب، می‌گوید: "طریق احسن در مجادله آن است که به کلمات مشهوره و مقدمات مسلمة باشد و بهترین تالیف و زیباترین تصنیف که آن، مشتمل بر اخبار مشهوره و مقدمات مسلمة [می‌باشد] که جاحدان مذهب را از تسلیم آن، گریزی و معاندان را از قبول آن گزیری نیست و به ضرورت اعتراف به آن می‌باید نمود، کتاب *کشف النعمه* است که مجتمع اخبار مقررّه و جامع مقدمات مسلمة است ..."^۵ علی بن حسن زواره‌ای نیز در ترجمه‌اش از این کتاب بر اهمیت و اعتبار آن تاکید می‌نماید.^۶ علاوه بر این‌ها ترجمه این کتاب فقط چند دهه پس از تالیف آن، به قلم حسن بن

۱. نک: محمد شرف خادم، *کفایة المومنین فی معجزات ائمة المعصومین*.

۲. نک: عبدالله افندی، ۳/ ۳۹۵.

۳. آقابزرگ تهرانی، ۴/ ۷۴.

۴. مشهدی، ورق ۲.

۵. جعفریان، ۳/ ۱۱۰۵.

۶. زواره‌ای، ورق ۱ و ۲؛ جعفریان، ۳/ ۱۱۰۸.

حسین سبزواری و نیز سه بار ترجمه همزمان آن در عهد شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) خود می‌تواند دلیلی بر موقعیت ممتاز کتاب و استقبال مردم از آن تلقی شود.

نتیجه

روی کار آمدن صفویان از دو جنبه بر تالیفات سیره و مناقب تأثیر گذار بود نخست این که تعداد تالیفات مزبور در این دوره افزایش یافت و دیگر این که حرکتی که در جهت فارسی سازی متون سیره و مناقب آغاز شده بود، در این دوره تسریع شد و آثار بسیاری با سبک و محتوای متأثر از مقتضیات این عصر تدوین گردید که به مهم‌ترین آنها در متن مقاله اشاره شده است.

کتابشناسی

- آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، *حلیة‌الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار*، به کوشش غلامرضا مولانا بحرانی، بی‌جا، موسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۴۱ق.
- بغدادی، ابن ابی الثلج، *تاریخ الائمة*، قم، ۱۴۰۶ق.
- جعفریان، رسول، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
- حموی، محمدبن اسحاق، *انیس المؤمنین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۳ش.
- خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات*، تهران، بی‌تا، ۱۳۹۰ق.
- رواندی، قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه المهدی، بی‌تا.
- رفاعی، عبدالجبار، *معجم ما کتب عن الرسول و اهل بیته*، قم، موسسة آل البيت، ۱۴۱۶ق.
- زواره‌ای، علی‌بن حسن، *ترجمة المناقب*، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۱ش.
- _____، *ترجمة المناقب*، نسخه خطی، شماره ۶۷۴۰، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- سبزواری، حسن بن حسین، *ترجمة کشف النعمه*، نسخه خطی، شماره ۱۲۱۹۸، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تاج الموالید*، قم، مکتبه.
- طوسی، محمد بن حسن، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم*، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم،

مؤسسة آل البيت، ۱۴۲۰ق.

عبدالله افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به کوشش سید احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۱ق.

قفطی، *تاریخ الحكماء*، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، به کوشش بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.

محمد شرف خادم، *کفاية المومنین فی معجزات ائمة المعصومین*، نسخه خطی، شماره ۹۵۲۷، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.

محمد مسیح، *ترجمة الارشاد*، نسخه خطی، شماره ۷۲۳۰، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.

مدرسی طباطبایی، سید حسین، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.

مشهدی، نعمة الله بن قریش، *ترجمة كشف الغمّة*، نسخه خطی، شماره ۶۷۴۰، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.

نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم، مؤسسة النشر الاسلام، ۱۴۰۳ق.